

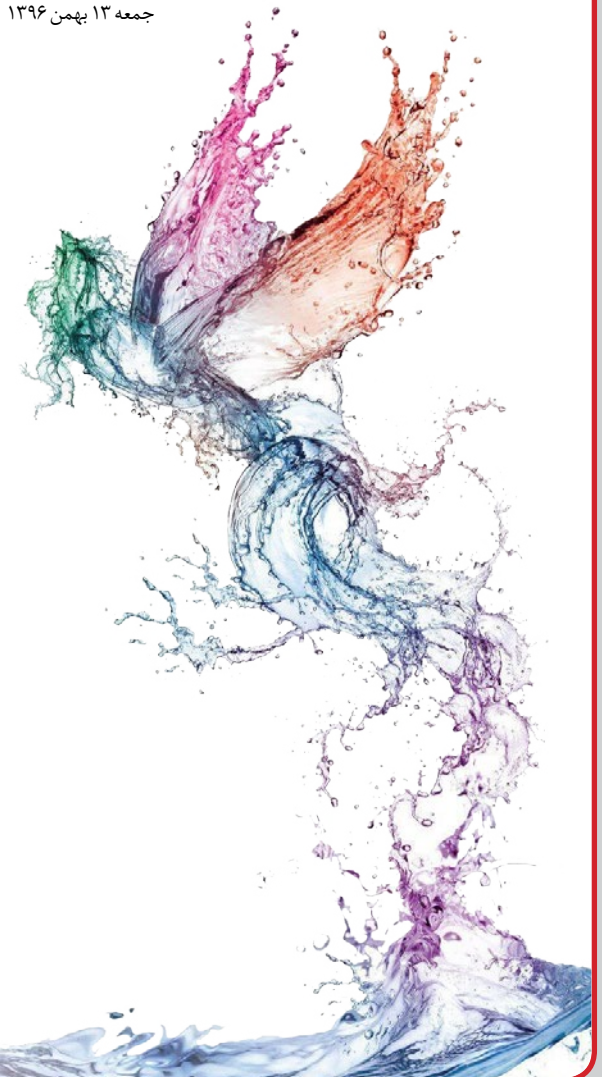
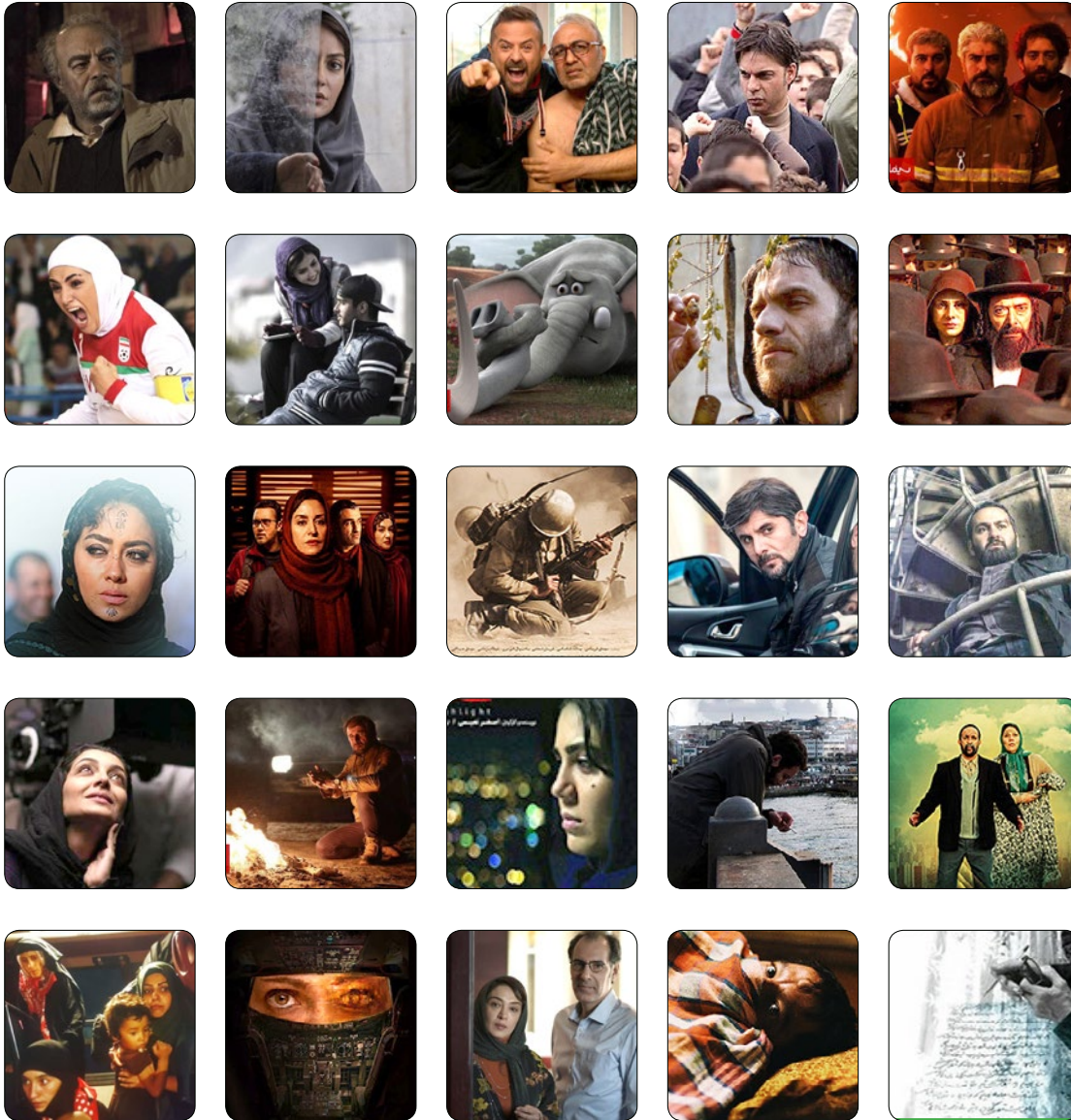
سایت سینمایی سی نت

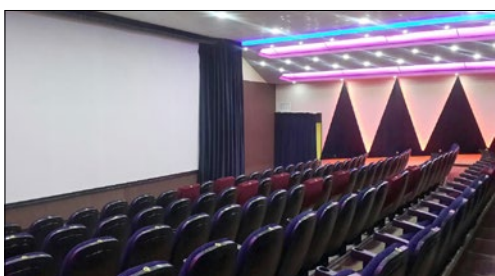
سی نت

نشریه الکترونیک - شماره اول
جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۹۶

ویژه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر

با یادداشت هایی از:
مجتبی اردشیری
نیما بهدادی مهر
مهدی تیموری
تیلدا حسینی
فرهاد خالدی نیک
حمید سلجوقی
احمد شاهوند
سید جواد صفوی
زرنوش محمدی





یادداشت ها

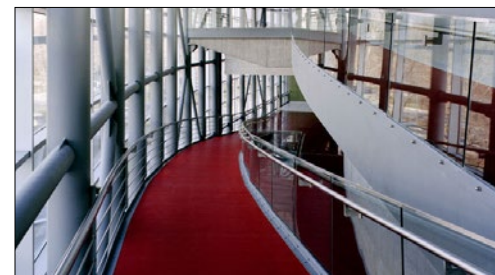
- ۳ چهارده سال همنشینی بی وقفه با «سینما» / احمد شاهوند
 ۴ به استقبال هشتمین تغییر در هشتمین سال پیاپی / زرنوش محمدی
 ۵ هندوانه ی در بسته / فرهاد خالدی نیک
 ۶ به نام کاهش بودجه، به کام دوستداران اعمال سلیقه! / مجتبی اردشیری
 ۷ خانه خلوت / سید جواد صفوی
 ۸ سی و شش سالگی... / حمید سلجوقی
 ۹ به احترام سیمرغ؛ برپا! / مهدی تیموری
 ۱۰ سهم مغفول مانده مخاطبان شهرستانی از جشنواره فیلم فجر / تیلدا حسینی

گزارش ها

- آغازی بی سابقه برای یک جشنواره متفاوت! / حواشی برگزاری مراسم افتتاحیه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
 ۱۱ سیمرغ روی شانه ستاره ها / مروی بر رکوردداران جایزه در بخش های اصلی
 ۱۲ تنوع سلیقه و یا چگونه جشنواره را از ثقاء دهیم! / تاریخچه تغییرات جشنواره فجر
 ۱۳ جدال نفس گیر سیاست و هنر / نگاهی به تفاوت انتخاب داوران و منتقدان در دوره های
 ۱۴ برگزاری جشنواره فیلم فجر - بخش اول (دهه شصت)
 ۱۵ حواشی جذاب چهار دهه
 ۱۶ نبض نقش ها می زند / بررسی کارنامه اکبر عبدی به بهانه بزرگداشتش در جشنواره فجر

معرفی فیلم

- ۱۷ کامیون (کامبوزیا پرتوی)، جاده قدیم (منیزه حکمت)، فیلشاه (هادی محمدیان)



چهارده سال همنشینی بی وقفه با «سینما»

آغاز انتشار مجدد نشریه الکترونیک سی نت پس از شش سال



احمد شاهبوند

سر دبیر



۱ - در حال حاضر سی نت، قدیمی ترین سایت فعال سینمایی است و اولین سایت سینمایی بود که نشریه الکترونیک منتشر و کانال تلگرام راه اندازی کرد. پس از چهارده سال فعالیت بی وقفه در فضای مجازی به عنوان «اولین ها» افتخار نمی کنیم، اما این ادعا را داریم که پیشرو بودیم.

انتشار هشت شماره نشریه الکترونیک سی نت که پیش شماره اول آن تاریخ ۳ آذر سال ۱۳۹۰ در سایت منتشر و با استقبال فراوان مواجه شد، روابط عمومی جشنواره فیلم فجر آن سال را ترغیب کرد تا برای اولین بار بولتن آن لاین جشنواره را منتشر کند و تیم سی نت این مهم را بر عهده گرفت و بیراه نیست اگر بگوییم پا به پای بولتن چاپی جشنواره آن سال هم آمد و ماندگار شد.

اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، اوج فعالیت سی نت بود. بیش از ده هزار کاربر فعال و روزانه بیش از صد هزار بازدید و در پی آن نیاز به پهنای باند بیشتر و فضای نگهداری دیتا، مجبورمان کرد به تهیه سرور اختصاصی. اعتراف می کنم به لحاظ تامین سرور و نیروی انسانی متخصص کم آوردیم و روند نزولی سی نت آغاز شد اما با همت و غیرت برخی از دوستانی که طی این سالها عاشقانه و بی چشم داشت همراهمان بودند، تا لحظه نگارش این مطلب، سی نت پانزده سالگی را هم گذرانده و نزدیک به شانزده سال است

که بی وقفه به فعالیت خود ادامه می دهد.

۲ - چند سالی است که با بی مهری روابط عمومی جشنواره فیلم فجر نسبت به قدیمی ترین سایت فعال سینمای ایران مواجهیم، اما هیچگاه اعتراض نکردیم و با همان اندک سهمیه، سعی کردیم بهترین پوشش را از دوران برگزاری جشنواره داشته باشیم. امسال هم بر آن شدیم تا انتشار نشریه الکترونیک سی نت را که شش سال قبل با شور و شوق آغاز کردیم، اما به دلیل مشکل مالی موفق به ادامه انتشار آن نشدیم را بار دیگر از سر بگیریم و امیدواریم پس از جشنواره با همراهی و حمایت شما عزیزان، به انتشار هفتگی آن ادامه بدهیم.

جشنواره امسال به لحاظ حضور کارگردانان باسابقه و آینده دار، جشنواره امیدوارکننده ای به نظر می رسد تا جایی که می توان حداقل پانزده فیلم دو ستاره (خوب) از آن انتظار داشت. امیدوارم آثار کارگردانی چون ابراهیم حاتمی کیا، روح الله حجازی، مصطفی کیایی، بهرام توکلی، پیمان معادی، بهروز شعبانی، محمدعلی باشه آهنگر، حمید نعمت الله، محمدحسین مهدویان، هومن سیدی و کامبوزیا پرتوی با اینکه بعید می دانم بهترین فیلم دوران زندگی شان رقم خورده باشد، حداقل براننده نام و جایگاه شان

باشد. حاتمی کیا با «گزارش یک جشن»، حجازی با «مرگ ماهی»، کیایی با «بار کد»، توکلی با «بیگانه»، باشه آهنگر با «بیداری رویاها»، سیدی با «خشم و هیاهو» و پرتوی با «ننه لالا و فرزندانش» بیشتر در جهت معکوس غافلگیرمان کرده بودند. در این بین معادی تنها «برف روی کاج ها» را ساخته که انتظار می رود «بمب، یک عاشقانه» از آن هم بهتر باشد. بهروز شعبانی «دهلیز» و «سیانور» را ساخته که توقع ها را برای فیلم سوم بسیار بالا برده است. نعمت الله در کارنامه اش فیلم ضعیف ندارد اما شنیده می شود «شعله ور» ضعیف ترین فیلم کارنامه جمع و جور اوست. شاید اینچنین نباشد. مهدویان هم مثل شعبانی دو فیلم درجه یک ساخته که امیدوارم «لاتاری» هم در همان سطح باشد و هومن سیدی هم که آثار عجیب و غریبی در کارنامه دارد و «غزهای کوچک زنگ زده» هم ظاهراً یکی دیگر از همان غجیب و غریب هاست.

امیدوارم انتقال سینمای رسانه ها از برج میلاد (پس از هشت دوره پیاپی میزبانی) به پردیس ملت آن هم به بهانه کاهش هزینه ها در پایان نتیجه مثبتی به همراه داشته باشد. با اینکه چشمم آب نمی خورد. سال نود هم بحث

امسال بر آن شدیم تا انتشار نشریه الکترونیک سی نت را که شش سال قبل با شور و شوق آغاز کردیم، اما به دلیل مشکل مالی موفق به ادامه انتشار آن نشدیم را بار دیگر از سر بگیریم و امیدواریم پس از جشنواره با همراهی و حمایت شما عزیزان، به انتشار هفتگی آن ادامه بدهیم

پردیس ملت برای سینمای رسانه ها پیش آمده بود که با پیگیری سی نت و اهالی رسانه، ختم به خیر شد و برج میلاد برای سومین بار میزبان جشنواره شد. اما امسال روابط عمومی روی تصمیمش محکم و قاطع ایستاد که امیدوارم در پایان جشنواره روسفید باشد.

کاهش بخش های جشنواره به تنها یک بخش (مسابقه سینمای ایران) و کاهش تعداد فیلم های بخش مسابقه و حذف بخش فیلم های اول هم از آن تصمیم های مقطعی دبیرهای موقت جشنواره است که پس از سی و پنج دوره، گرفتار شدن جشنواره در آزمون و خطا را گوشزد می کند. با این تفاسیر به استقبال سی و ششمین جشنواره فیلم فجر می رویم و امیدواریم که کارگردانان محبوب، معروف و آینده دار سینمای ایران ما را با دست پر از این سفر سینمایی به خانه رهسپار کنند.



مصطفی کیایی (کارگردان) و سحر دولتشاهی (بازیگر) سر صحنه «چهارراه استانبول»



به استقبال هشتمین تغییر در هشتمین سال پیایی

زرنوش محمدی



نویسنده



آن گذشت.

زده اند به تنهایی ترغیب کننده است حالا کنار این خلاصه داستان رعب انگیز نام هومن سیدی و لیست بازیگران فیلم را هم بنشانید. مگر می شود این فیلم را ندید؟! ۳ - مطالبی که در بخش اول نوشته، گفته شد، از جذابیت های جشنواره برایم کم نمی کند و اغراق نیست که بگویم تمام دلخوشی های هر ساله ام به جشنواره فجرش است. پس می آیم تا از لحظه به لحظه اش لذت ببرم، باشد تا شرایط هم سلب لذت نکنند.

دارکوب: شعبی ثابت کرده از تلخ ترین حس های آدمیزاد هم تماشایی ترین صحنه ها را می سازد. (فصل های رضا عطاران و پسرش و فصل های هانیه توسلی در گرفتن رضایت از خانواده مقتول در «دهلیز») پس به احترام سابقه اش که مورد پسندم است این فیلم را که می دانم حین نمایش آن با تلخی عجیبی مواجه خواهم شد، می بینم. **شعله ور:** نعمت الله و شاهکار «رگ خواب». البته باید دید با این لیست بازیگران دوباره می توان شاهکار آفرید؟! **لاتاری:** از زمانی که باب شد هر سال قبل از آغاز جشنواره، تیکه هایی از فیلم های راه یافته به بخش مسابقه را در اختیار رسانه ها قرار می دادند، هیچ وقت تیکه فیلم ها را نمی دیدم. اعتقاد داشتم وقتی روی صندلی می نشینم، نباید هیچ ذهنیتی از فضای فیلم داشته باشم و دلم می خواست همه احساسم اورژینال باشد اما اینبار کاملاً غیرارادی بخش هایی از «لاتاری» را دیدم و عجیب مشتاق دیدارش شدم. گاهی در خلوت فکر می کنم این چه قانون مسخره ای بود که سال ها به آن پایبند بودم. البته این اولین و آخرین فیلمی بود که بخشی از آن را دیدم.

مغزهای کوچک زنگ زده: داستان مغزهایی که زنگ

می مالیم و با مشکلات احتمالی پیش رو کنار خواهیم آمد. به امید آنکه از کوچکترین حق خود که نشستن با آرامش بر روی صندلی سالن نمایش است، بهره مند شویم.

۲ - شاید درست نباشد از روی ظاهر قضاوت کنیم و این مهم در مورد فیلم ها هم صادق است. ولی از حق نگذریم این بازی هر ساله عجیب دلنشین و غافلگیری و حال گیری اش هم دلچسب است. هرچند تجربه ثابت کرده هیچ چیزی از هیچ فیلمی بعید نیست. با این تفاسیر همه تلاشم را می کنم که این فیلم ها را به دلایلی که در ادامه می آید، ببینم:

اتاق تاریک: آثار حجازی را منهای «مرگ ماهی» دوست دارم و همچنان منتظر شاهکارهای تصویری از جنس «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» را به کارگردانی حجازی ببینم.

بمب، یک عاشقانه: چون اسم معادی و کارنامه اش را همراه دارد و می دانم بلد نیست خوراک دمزه به مخاطبش بدهد.

به وقت شام: دلم یک حاتمی کیایی بی عیب و نقص از جنس «به رنگ ارغوان» می خواهد و باز هم منتظر می مانم تا شاهکاری از او روی پرده ببینم.

تنگه ابوقریب: مگر می شود کار کارگردان «من دیه گو مارادونا هستم» را دنبال نکرد. به شرط آنکه «بیگانه» را از کارنامه اش حذف کنیم.

چهارراه استانبول: مصطفی کیایی باشد و روایت تصویری از فاجعه پلاسکو، قطعاً پیشنهادی است که سخت بتوان از

۱ - امسال هشتمین سال است که جشنواره را در سینمای رسانه دنبال می کنم و هر هشت سال به طرق مختلف و با سلاقی متفاوتی برگزار شد. هر سال یک اتفاق جدید و غافلگیری و گاهاً افسوس های بعدش. صرف نظر از اینکه هر تغییری مثبت بوده یا منفی - و در منافات با جایگاه چنین جشنواره ای که از یدک کشیدن نام بین المللی اش چند سالی است که راحت شده - به شخصه چون ذاتاً صفر و یک هستم، هر تغییر را سخت می پذیرم.

امسال هم بزرگ ترین تغییر که سن رسانه ای من به قبل از آن قد نمی دهد، تغییر مکان برگزاری جشنواره است. این که چقدر این تغییر بزرگ در راستای بهبود شرایط تماشای فیلم ها و پیش نیامدن مشکلات پیش پا افتاده سال های قبل حین اکران و صف های عریض و طویل و اتفاقات عجیب و غریب قبل و بعد از اکران فیلم ها قدم برمی دارد را باید منتظر ماند و دید. لیکن روی کاغذ، همه چیز حکایت از عقبگرد دارد. هرچند که همه ما سال گذشته به کرات عارض شدیم که «خدا پدرتان را بیمارزد یک سالن کوچک در اختیار رسانه ها قرار دهید، ما عطای برج میلاد را به لقایش می بخشیم.» پس پی این پیشنهاد را به تن

هر سال یک اتفاق جدید و غافلگیری و گاهاً افسوس های بعدش. صرف نظر از اینکه هر تغییری مثبت بوده یا منفی - و در منافات با جایگاه چنین جشنواره ای که از یدک کشیدن نام بین المللی اش چند سالی است که راحت شده - به شخصه چون ذاتاً صفر و یک هستم، هر تغییر را سخت می پذیرم.

هندوانه ی در بسته



فرهاد خالدی نیک

نویسنده و منتقد



حضور دارند. تنها همین حضور کافی است که آن دوره جشنواره را به یک رخداد ویژه مبدل کند، فارغ از کیفیت نهایی فیلم های ایشان!

سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر اما از حیث دیگری نیز آن هندوانه در بسته ی کذائی را در ذهن متبادر می کند. تغییر محل سینمای رسانه ها از برج میلاد به پردیس سینمایی ملت، اتفاق تازه ای است که قطعاً کم و کیف برگزاری جشنواره امسال را تحت شعاع خود قرار خواهد داد. حضور چندین ساله اهالی رسانه در برج میلاد باعث شده بود که بسیاری از معضلات سال های ابتدایی انتخاب این محل به عنوان کاخ جشنواره، رفع شده و شاهد برگزاری نسبتاً مطلوب جشنواره به خصوص در دوره های اخیر باشیم. حالا با انتخاب پردیس سینمایی ملت، علامت سؤال های متعددی در اذهان نقش بسته است که امیدواریم پاسخ مناسبی برای تک تک این سوالات و ابهامات اندیشیده شده باشد. سؤالاتی نظیر این که آیا پارکینگ های پیش بینی شده، جوابگوی اتومبیل های حاضر در محل برگزاری جشنواره خواهند بود یا خیر؟ آیا سرویس های مناسبی برای ایاب و ذهاب اصحاب رسانه پیش بینی شده است؟ آیا سالن های مختلف پردیس ملت در هنگام نمایش فیلم ها، ظرفیت لازم را برای استقرار مناسب خبرنگاران و منتقدان سینمایی خواهند داشت یا باز هم شاهد بی نظمی های آنچنانی و تاخیر در اکران فیلم ها خواهیم بود. پاسخ این سوالات و سوالات مشابه را به زودی در خواهیم یافت و به شدت امیدواریم سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر، در زمره ی به یاد ماندنی ترین دوره های آن باشد. پر از فیلم های خوب، اتمسفر خوب و البته حال خوب...

جشنواره فیلم فجر همچون اغلب جشنواره های دنیا بسان هندوانه ای در بسته می ماند. جشنواره ای که در آن، هر ساله تعداد مشخصی فیلم در قالب برنامه ای از پیش تعیین شده در بازه زمانی ده روزه به نمایش در می آیند. فیلم هایی به شدت کنجکاوی برانگیز که خیل علاقه مندان هنر هفتم را به سوی خود و البته جشنواره فجر جذب می کنند تا سالن های سینما در بهمن ماه، گرم تر و پرشورتر از همیشه باشند. آن چه واضح و مبرهن است این است که کیفیت هر دوره جشنواره اغلب بر اساس کیفیت فیلم های به نمایش درآمده در آن دوره تعیین، ارزیابی و به یاد آورده می شود. بارها مشابه چنین جملاتی را از زبان علاقه مندان پیگیر و جدی سینمایی شنیده ایم که: آن سال که «هامون» به جشنواره آمد، شوری که «سنجری» در سالن به پا کرد، آن شب که «درباره الی» را دیدیم، و ...

این چنین است که دیده شده گاهی حضور تنها یک فیلم با کیفیت و قابل تامل کافی است که دوره خاصی از جشنواره را از سایر دوره ها متمایز کند. در عین حال ناگفته پیداست که حضور نام های آشنا و کارگردانان نامدار و شناخته شده نیز نقش پررنگی در جذاب نمودن هر چه بیشتر جشنواره ایفا می کند. به عنوان مثال می توان از سال هایی یاد کرد که بزرگانی چون کیمیایی یا مهرجویی در جشنواره فجر



در رثای جشنواره کوچک شده فیلم فجر

به نام کاهش بودجه، به کام دوستداران اعمال سلیقه!

مسئولان برگزاری، چشم خود را به روی سیل انتقادات در این زمینه بسته اند و مدام مشکلات و تنگناهای مالی را دلیل این اتفاق و البته دیگر اتفاقات بی سابقه در جشنواره می دانند.

حال آن که بزرگترین رویداد سینمایی کشور که به لحاظ کیفی و سابقه، مهمترین اتفاق سینمایی منطقه به حساب می آید، به راحتی می تواند مانند ادوار گذشته، تمام یا بخشی از هزینه های خود را از طریق پذیرش اسپانسر تامین نموده و بودجه ۱۲ تا ۱۵ میلیاردی که برای جشنواره امسال اندیشیده شده را به آسانی به دست آورد اما مشکل آن جایی است که گویا کوچک کردن جشنواره امسال، به نوعی به برگزار کنندگان آن تکلیف شده و بهانه های مالی تنها به عنوان گره کور ظاهر ماجرا طرح ریزی شده. در نیمه دوم امسال و پس از فیلم سوزی های مدیریتی بسیاری که رخ داد، این اقدام به مثابه تیر خلاصی است که سینمای ملی را نشانه رفته و آینده خوبی از این جریان به راه افتاده متصور نمی شود.

بر روی کاغذ، دوره کنونی، قرار است ضعیف ترین دوره ادوار مختلف جشنواره فجر باشد؛ نمی توان از هم اکنون با جدیت در مورد چند و چون و دلایل محکم آن صحبت کرد اما باید قرائن موجود را تا پایان جشنواره محفوظ نگه داشت و با تماشای مدیریت جشنواره طی ۹ روز برگزاری، به یک جمع بندی کلی رسید.

این طرح ریزی اشل غیر حرفه ای سبب شد تا بسیاری از کارگردانانی که حضورشان می توانست به ابعاد کیفی جشنواره رونق بخشد، عطای حضور فیلمشان را به لقای آن بخشیده و اصلا فرم حضور در جشنواره را پر نکنند؛ فیلمسازانی مانند «بهمن فرمان آرا»، «ابوالحسن داوودی»، «رسول صدرعاملی»، «کمال تبریزی»، «محمدرضا هنرمند»، «مانی حقیقی» و... به بهانه مختلف از جمله طول کشیدن پروسه فیلمبرداری، از حضور در جشنواره امسال سر باز زدند هر چند که برخی از این اسامی مانند فرمان آرا و داوودی، عملا اعلام کردند که با وجود به پایان رسیدن تمام مراحل فیلمشان، علاقه ای برای حضور در جشنواره امسال ندارند!

فارغ از این اتفاق ناخوشایند، کم بودن تعداد فیلم ها سبب شده تا روزهای نمایش فیلم نیز به ۹ روز تقلیل یافته و تنها روزی ۳ فیلم با فاصله زمانی زیاد در سالن رسانه ها اکران شود ضمن اینکه این تعداد فیلم سبب شده تا سینماهای مردمی نیز کمتر شده و حال و هوای جشنواره در مقایسه با سالیان اخیر، چندان رو به راه نباشد.

در راستای این کوچک کردن عامدانه، انتقال سالن رسانه های این رویداد سینمایی از برج میلاد به پردیس ملت که در برگزاری جشن های کوچک نیز با مشکلات متعددی مواجه است، یکی دیگر از حاشیه هایی است که

بخش های فیلم های اول، خارج از مسابقه و نوعی نگاه، از چارت جشنواره حذف و تنها ۲۲ فیلم بلند در کنار یک انیمیشن و دو مستند، به نمایش در می آیند. دو بخش «نوعی نگاه» و «خارج از مسابقه»، اگرچه تنور رقابتی را گرم نمی کردند اما حضورشان، بر کیفیت و اعتبار جشنواره می افزود. اما حذف بخش «فیلم های اول»، یک ظلم بزرگ در حق کارگردانان فیلم اولی امسال بود. در ادوار گذشته، این بخش رقابتی با ۱۱ فیلم، استعدادهای جدید سینمای ایران را به جامعه سینمایی، مردم و منتقدان معرفی می کرد اما امسال تنها ۳ فیلم اولی در همان بخش سودای سیمرغ حضور دارند که ۲ فیلم از این ۳ اثر را آثار کمدمی تشکیل می دهند: «مصادره» و «خجالت نکش».

بر روی کاغذ، دوره کنونی، قرار است ضعیف ترین دوره ادوار مختلف جشنواره فجر باشد؛ نمی توان از هم اکنون با جدیت در مورد چند و چون و دلایل محکم آن صحبت کرد اما باید قرائن موجود را تا پایان جشنواره محفوظ نگه داشت و با تماشای مدیریت جشنواره طی ۹ روز برگزاری، به یک جمع بندی کلی رسید



مجیدی اردشیری

نویسنده و منتقد



بزرگترین رویداد سینمایی کشور در شرایطی آغاز شده که تغییر و تحولات گسترده ای که این دوره جشنواره به خود دیده سبب شده تا علاوه بر حواشی متعدد، کیفیت این رویداد نیز تا حدود زیادی تحت الشعاع این تغییرات نسنجیده قرار بگیرد.

بهانه اصلی وقوع این تحولات، ریخت و پاش های بسیاری بوده که در دوره قبلی جشنواره رخ داده و حال، برای راضی نگه داشتن تمامی طرف های نظارت کننده بر جشنواره (که بخش عمده آنها خارج از بدنه و سیستم وزارت ارشاد هستند)، یک جشنواره کوچک شده به نام فجر تدارک دیده شده که اگر قدمت ۳۵ ساله و تثبیت موقعیت آن نبود، به احتمال فراوان، سرنوشت آن به سرنوشت جشنواره هایی هم چون مطبوعات دچار می گشت.

نخستین اتفاق نامیمون و البته غیر حرفه ای در راستای کوچک کردن جشنواره، حذف تمامی بخش های جشنواره به جز «سودای سیمرغ» بود به گونه ای که امسال

نیکی کریمی و سعید آفاخانی در نمایی از فیلم «کامیون»



پیش در آمدی بر جشنواره سی و ششم فیلم فجر فانه فلوت

سیدجواد صفوی

نویسنده و منتقد



که به عدم حضور فیلمسازان کهنه کاری همچون تقوایی و مهرجویی در جشنواره عادت کرده و نسل جوان امروز چندان خاطره ای از هنر این اساتید بر پرده سینما ندارد و به طبع منتظر آنها هم نیست.

جشنواره سی و ششم فیلم فجر نام های شناخته شده تری برای نسل جوان امروز دارد مانند حمید نعمت الله با «شعله ور»، بهرام توکلی با «تنگه ابوقریب»، هومن سیدی با «مغزهای کوچک جنگ زده»، مصطفی کیایی با «چهارراه استانبول»، روح الله حجازی با «اتاق تاریک» و پیمان معادی با «بمب؛ یک عاشقانه»؛ این دسته از فیلمسازان هر کدام حالا دیگر چند فیلم و جایزه در کارنامه دارند و توقع از آنها در بین سینما رو ها به ویژه جوان تر ها بالاست. این دسته از فیلمسازان نسبتا جوان، به طور قطع در خصوص برآورده نشدن توقع، که معلوم هم نیست چه متر و معیاری در ذهن برخی نویسندگان سینمایی و تماشاگران دارد، با سیل انتقادهای مواجه خواهند شد.

در کنار فیلمسازان با سابقه و نسبتا با سابقه، دیدن چند فیلم از چند فیلمساز دیگر نیز می تواند جذاب باشد. یکی از آنها رضا مقصودی، رئیس فعلی کانون فیلمنامه نویسان سینمای ایران است که تاکنون صرفا به عنوان یکی از باسابقه ترین فیلمنامه نویسان شش دانگ سینمای ایران شناخته می شد و حالا با «خجالت نکش» پا به عرصه فیلمسازی گذاشته و خودش هم از کاری که ساخته راضی است. به احتمال زیاد تغییرات فراوان فیلمنامه «هن سالوادور نیستیم» این فیلمنامه نویس در طی ساخت، بیشترین تاثیر را در فیلمساز شدن نویسنده

جشنواره سی و ششم فیلم فجر هم مانند همه دوره های قبل به سبب برخی ویژگی ها شبیه همه دوره های قبلی و به برخی دلایل متفاوت از اغلب دوره های ماقبل خود می نمایند. این دوره از جشنواره هم با برخی تغییرات حالا دیگر عادی شده در ساختار، مقررات و مدیران جشنواره همراه است که این مهم در اغلب دوره های جشنواره فجر رخ داده و احتمالا باز هم رخ خواهد داد. از طرفی این دوره هم بنا به پیشینه و سابقه کارگردانان حاضر در آن دوره ای تقریبا جوان گرایانه است و به نظر می رسد مسن ترین فیلمساز جشنواره کامبوزیا پرتوی ۶۲ ساله است که با وجود ساخت ۹ فیلم سینمایی، به خاطر نگارش بیش از بیست فیلمنامه که توسط خود یا دیگران ساخته شده و سه سیمرغ فیلمنامه، بیشتر به عنوان یک فیلمنامه نویس حرفه ای شناخته شده است و حالا با «کامیون» قصد روایت قصه ای جذاب را دارد. ابراهیم حاتمی کیا با نوزده فیلم اگرچه جوان تر از پرتوی است اما شاید با سابقه ترین فیلم ساز این دوره جشنواره به شمار برود و با ترکیب فعلی هیئت داوران چه بسا که «به وقت شام» رکورد دار سیمرغ های امسال باشد. تماشاگران جشنواره رو سینمای ایران نیز سالهاست

«لیلی با من است» داشته است.

اما شاید محمدعلی باشه آهنگر که پیشتر با فیلمهای تحسین شده ای مانند «ملکه» و «فرزند خاک» روایت و ساخت جذاب و سینمایی از مضامین و قصه های ناگفته دفاع مقدس را به نمایش گذاشته بود، امسال با «سرو زیر آب» شگفتی ساز شود. هر چند ممکن است نسل جوان امروز اقبال کمتری به فیلمهای به اصطلاح جنگی داشته باشد، اما پشتوانه تحقیقاتی مفصل و پیش تولید طولانی و مستمر «سرو زیر آب» در ترکیب با سابقه و توانمندی فیلمساز، می تواند نوید یک روایت جذاب سینمایی روی پرده را به جشنواره جمع و جور امسال بدهد. باید دید و قضاوت کرد.

جشنواره سی و ششم فیلم فجر
هم مانند همه دوره های قبل به
سبب برخی ویژگی ها شبیه همه
دوره های قبلی و به برخی دلایل
متفاوت از اغلب دوره های ماقبل خود
می نمایند. این دوره از جشنواره هم
با برخی تغییرات حالا دیگر عادی
شده در ساختار، مقررات و مدیران
جشنواره همراه است که این مهم در
اغلب دوره های جشنواره فجر رخ
داده و احتمالا باز هم رخ خواهد داد

سی و شش سالگی...

حمید سلجوقی



نویسنده و منتقد



امسال کلی فیلم اولی از گردونه ی جشنواره حذف شد تا سه فیلم اول بمانند و برای یک سیمرغ بجنگند. فیلم اولی هایی که لااقل دو سه تایشان را آنطور که ما شنیدیم اگر لایق مسابقه نبودند پس یقیناً مسابقه ی بی سابقه ای خواهیم داشت امسال در حد تقابل یورگن کلپ - پپ گواردیولا!

قصه را هم خوب می دانید. فقط اینکه امیر یوسفی خیلی سینما می فهمد. و اینکه خدا پدر تازه درگذشته اش را رحمت کند. و نکته ی دوی بعلاوه یک هم این که «سی نت» هنوز فعال است و با شماست. با ما همراه باشید.

خلاصه ی کلام اینکه امیدوارم جشنواره ی امسال، جشنواره ی هیجان انگیزی باشد و حال بیننده ها را خوب کند. تا سال بعدش که خدا می داند زنده باشیم یا نه.

پ.ن: دو نکته هست که دلم نمی آید نگویم. یک اینکه قصه ی الناز شاکردوست را خودتان می دانید. عمق فاجعه را شاید کمتر دقت کرده باشیم. بازیگر به پشت نقش زمین می شود، دیسکس می زند بیرون و ستون فقراتش آسیب جدی می بیند. فایده ای هم قاعدتا ندارد اگر بیایم و بگوییم بازیگرها بیمه ندارند و مسئولین به فکر باشند و... مسئولین فعلا کرمانشاه و سانچی و گرانی و نه بابا اصلا چرا راه دور برویم همین تبعات برف را یک کاری بکنند خدا را شکر می کنیم. فقط می خواهم برایش دعا کنید. به قول دوستی، شاکردوست تازه داشت به جا انتخاب می کرد و توان بازیگری اش را نشان می داد. امیدوارم خیلی زود، و با سلامت کامل جلوی دوربین بایستد. و دوم اینکه امسال هم فیلم محسن امیر یوسفی نیست. این

اگر لایق مسابقه نبودند پس یقیناً مسابقه ی بی سابقه ای خواهیم داشت امسال در حد تقابل یورگن کلپ - پپ گواردیولا!

بگذریم از حاشیه. می خواهم از کنجکاو ی ها و حدسیاتم بگویم. من به «شعله ور» نعمت الله امیدوارم. سینمای پیمان معادی باب میل نیست اما حسم می گوید «بمب» اش کامل تر از قبلی هاست. مگر می شود فیلم کوتاه برادران ارک بد باشد؟! هر وقت روی ساعت دیواری خانه تان عدد ۱۳ آمد این ها هم فیلم بد می سازند. مصطفی کیایی شیطنت هایی دارد که اگر درست درآمده باشد «چهارراه استانبول» را با ارزش می کند. منظورم از شیطنت شوخی کردن هایش نیست، سوزن زدن هایش است. دنبال سوزن توی انبار دیالوگ هایش بگردید. «امیر» فیلم کنجکاو ی برانگیزی ست و «به وقت شام» هیچی هم نداشته باشد صحنه های خفن حاتمی کیایی که دارد! احتمالا سیدی در «مغزهای کوچک زنگ زده» بر خلاف خیلی قشنگ قصه طرح کردن در «خشم و هیاهو» دوباره سراغ فاز کارهای قبلتر رفته که با سلیقه ی من همفاز نیست و امیدوارم «عرق سرد» گام رو به جلوتری از «من» باشد. قطع به یقین بهرام توکلی در «بوقریب» نشان خواهد داد که او هم می تواند «صحنه ی خفن حاتمی کیایی» اجرا کند که بیا و ببین! پوریا آذربایجانی کارگردان خوبی ست ولی «مؤلف» خوبی نیست، این است که پیش بینی ام از «جشن دلتنگی» را پنجاه پنجاه می کند. «مصادره» ی مهران احمدی را هم خوب باید دید که چه کرده و بهروز شعبانی «دارکوب» که کارش را بلد است.

دفتر سی و ششم از جشنواره ی فیلم فجر، همین روزهاست که برسد به آن ورق های مهم فسفری شده اش. دفتری کم حجم تر از سال های گذشته (بخاطر برنامه ریزی های صرفه جویانه ی برگزار کنندگان) و البته با تنوعی نسبی برای همه ی ذائقه ها؛ داستانی، مستند، پویانمایی و باکس مورد علاقه ام فیلم کوتاه (که این دو مورد آخری از شانسان در ساعت مناسبی هم برای نمایش افتادند).

همین ب بسم الله از حاشیه اش می شود فراوان گفت. اصلا جشنواره به همین حاشیه هایش است که جشنواره ست! از ترکیب هیئت داوران می شود گفت که همان چهره های آشنای مادرزاد داور قابل انتظارند بعلاوه ی یک سورپرایز، تا تغییر سینمای رسانه ها از برج میلاد به پردیس ملت. جانم برایتان بگویم ما یک منتقد عزیز داریم که شاید راضی نباشد اسمشان را ببریم، ایشان به میلاد می گفت «آلکاتراز»، حالا فکرش را بکن برود توی ملت «بوقریب» ببینند! عمرا برود. مثل خیلی دوستان رسانه ای دیگر که در سینماهای مردمی می بینند - یا مثلاً امسال جلوگیری از مصرف بی رویه که کار خیلی بدیه را داریم و در پذیرایی از اهل رسانه حذفیاتی صورت می گیرد. گفتم حذفیاتی؛ امسال کلی فیلم اولی از گردونه ی جشنواره حذف شد تا سه فیلم اول بمانند و برای یک سیمرغ بجنگند. فیلم اولی هایی که لااقل دو سه تایشان را آنطور که ما شنیدیم

به احترام سیمرغ؛ برپا!



مهدی تیموری

نویسنده و منتقد



نبود نبوغ، جریان سازی و اندیشه تنها یک بعد از ماجراست و از هر طرف که به قضیه نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که خانه از پای بست ویران است. از مدیریت فرهنگی ناپایدار گرفته تا انحصار بدشکلی که در هر زمینه‌ای موجب فساد خواهد شد...

به هر جهت، سی و ششمین دوره از مهم‌ترین رویداد سینمایی کشورمان به دبیری ابراهیم داروغه آغاز شده است. مارا نئی همیشگی و جذاب میان فیلمسازان کهنه کار و پیشکسوت و البته فیلم اولی‌ها و آثار بعضاً میخکوب کننده‌شان. هرچند که امروز دیگر نزدیک به یک دهه می‌شود که قسمت اول - فیلمسازان کهنه کار و پیشکسوت - دیگر چندان مثل گذشته حرفی برای گفتن و رمق سابق را ندارند و بیش از پیش گوی رقابت را به جوانان عرصه واگذار کرده‌اند. به زعم نگارنده، کیفیت آثار چندین سال اخیر فجر، سیر تقریباً نزولی را در پیش گرفته‌اند.

آثاری بعضاً با بهره‌گیری از نازلترین سطح از شعور بصری، استفاده نادرست از پدیده بسیار مهم نور در فیلمبرداری و درک رنگ در تصویر، هجوم خیل عظیمی از تله فیلم

هایی که بعضی هایشان حتی تلاشی برای نزدیک شدن به سینما نکرده‌اند! مدت‌های زیادی می‌گذرد که فجر می‌آید و می‌رود اما به معنای واقعی کلمه «سوپرایز» نشده ایم. بعید می‌دانم که این سوپرایز نشدن - به گفته‌ی یکی از عزیزان... - محدود به سال جاری شود. فیلم خوب و گاهی خیلی خوب در این سالها داشته‌ایم اما آخرین اثری که به یاد دارم در فجر، من را تا حد زیادی به وجد آورده و غافلگیر کند، «ژدها» وارد می‌شود» ساخته

ایمان است. غافلگیر کننده و پیچیده در عین سادگی‌اش. از «در بند» شهبازی تا... بیشتر که عمیق می‌شویم آنقدرها هم اوضاع کیفی این سینمای کم‌جان و بی‌رمق - اما دوست داشتنی - اسفناک و زشت نبوده است. فقط کافی است کمی، «کمی» به آن روی سکه هم نگاهی ببینیم. پتانسیل، شرایط، محدودیت‌ها، ممیزی‌های موجود - که بعضاً خودساخته هستند - را هم در نظر بگیریم. حرف این نیست که سینمای ایران افت و رکود نداشته، داشته. اتفاقاً بسیار هم. اما به نظرم هیچ چیز نباید میان ما و رسالتمان و البته مهم‌تر از آن «عشق» ابدی مان که سینما باشد فاصله بباندازد. خوشمان بیاید یا نه، جشنواره فیلم فجر، مهم‌ترین رویداد سینمایی کشورمان است. مانند سالهای گذشته، مثل همیشه به احترام سیمرغ می‌ایستیم و به رسم نیمه بهمن ماه هر سال پاشنه‌هایمان را ور کشیده و در این هوای بس ناجوانمردانه سرد به سینما پناه می‌بریم. تا شاید حتی شده «ده شب» آن سالن تاریک، پرده نقره‌ای و جادوی حرکت تصاویر وجودمان را گرمای عمیقی ببخشد.



خوشمان بیاید یا نه، جشنواره فیلم فجر، مهم‌ترین رویداد سینمایی کشورمان است. مانند سالهای گذشته، مثل همیشه به احترام سیمرغ می‌ایستیم و به رسم نیمه بهمن ماه هر سال پاشنه‌هایمان را ور کشیده و در این هوای بس ناجوانمردانه سرد به سینما پناه می‌بریم. تا شاید حتی شده «ده شب» آن سالن تاریک، پرده نقره‌ای و جادوی حرکت تصاویر وجودمان را گرمای عمیقی ببخشد.

سهم مغفول مانده مفاطبان شهرستانی از جشنواره فیلم فجر

انواع نويز و خش تصوير را تماشا کنند يا صدا آزارشان دهد، البته گذشته از ققز صندلی‌هایی که هر لحظه بیم شکستن آنها وجود دارد يا استشمام هوای نامطبوعی که از عدم تهویه مناسب فریاد می‌زند!

بسیاری از سالن‌های سینماهای کشور از شرایط اولیه سالم و استاندارد برخوردار نیستند. مشتاقان هنر هفتم هر سال پشت درهای همین سینماهای عصر حجر در سرما و برف در صف انتظار ایستادند، با هزار مشکل فیلم را به تماشا نشستند و بماند که بسیاری نیز ناراضی برگشتند چون کارگردان یا بازیگر مورد علاقه‌شان خواسته‌شان را آن‌چنان که انتظار می‌رفت برآورده نکرد؛ ولی آنچه اصلا دیده نشد و دیده نخواهد شد، ذوق و اشتیاق مردمی است که هنر در خون‌شان می‌جوشد و البته آنچه به آن اهمیت داده نشد احترام به همین مخاطبینی است که اگر نبودند گیشه، سینما و فیلم فجر شاید معنا پیدا نمی‌کرد.

بسیاری از سالن‌های سینماهای کشور

از شرایط اولیه سالم و استاندارد

برخوردار نیستند. مشتاقان هنر

هفتم هر سال پشت درهای همین

سینماهای عصر حجر در سرما و

برف در صف انتظار ایستادند، با هزار

مشکل فیلم را به تماشا نشستند و

بماند که بسیاری نیز ناراضی برگشتند

مغفول مانده از دست می‌رود و متولیان فرهنگی خواسته یا ناخواسته نگاه خود را از آنان برگرفته، در برج عاج تهران متمرکز شده‌اند!

همه سینما دوستان قادر نیستند در بهترین سالن‌های تهران لحظات دلپذیری را به تماشای فیلم فجر بنشینند. بسیاری از هنردوستان در شهرستانهای دور و نزدیک این شانس را ندارند که از نزدیک با هنرپیشه مورد علاقه خویش آشنا شوند؛ اما این حق ساده را دارند که همزمان با جشنواره تهران در سینمایی در خور شأن و منزلت‌شان فیلم را با کیفیت صدا و تصویر خوب تماشا کنند، بدون اینکه دغدغه قطع گاه و بیگاه فیلم را داشته باشند، یا با



عکس پوشش هنرمندان. اما بعد از برگزاری سی و چندمین جشنواره فیلم فجر و برآورد تمام این بازخوردها و بازتابها در جامعه شاید می‌طلبید نگاه عمیق‌تری به جشنواره فیلم فجر داشته باشیم. از آن مهمتر شاید لازم باشد توقع جامعه هنری و هنردوست کشور را نه در مقیاس تهران که در مقیاسی فراسوی پایتخت ارزیابی کنیم و از خود پرسیم در استانها و شهرستانهای این مرز پر گهر چه تمهیدات و زیرساختهایی برای سینما دوستان در نظر گرفته شده است. شاید لازم باشد در اشل وسیع‌تر ذوق و استعداد سینمایی جوانان را بسنجیم و برای یک بار هم که شده باور کنیم بسیاری از استعدادهای بکر هنری در گوشه کنار این کشور نادیده و



تیلدا حسینی

نویسنده



زمستان اگر برای هر فردی جذبه خاصی داشته باشد، برای سینما دوستان این جذبه و شکوه زمستانی دو چندان است و به‌راحتی می‌توان شور و اشتیاق آنان را در آستانه جشنواره فیلم فجر کاملاً ملموس حس کرد.

دهه فجر را شاید بتوان یکی از بزرگترین کارناوالهای فرهنگی کشور دانست که بالاخره فضایی فراهم می‌شود تا اهل ذوق و هنر پاتوقی بیابند تا با یک سینرژیک بالا لحظاتی را کنار هم باشند و علاوه بر مجالست و معاشرت با یکدیگر از آخرین دستاورهای هنری در زمینه موسیقی، تئاتر و سینما آگاه شوند. مأمّن امنی که مردم و هنرمندان فاصله‌های فیزیکی و جغرافیایی را کنار می‌گذارند تا چهره به چهره با هم بیشتر آشنا شوند. جایی که هنرمندان قرار است بدون نقاب، گریم و روتوش بی‌نقش‌ترین نقش خویش را بازی که نه زندگی کنند. البته اگر رقابتها، جنجالهای خبری و البته درج حواشی این رخداد در صفحات مجازی اجازه رخنمایی چنین واقعه مهمی را به جامعه هنرمندان بدهد.

جشنواره فیلم فجر هر سال با حواشی پر رنگ‌تر از متن برگزار می‌شود. از محل اکران فیلم و نحوه فروش بلیط گرفته تا دوری و رقابت بر سر سیمرغ بلورین و بازخوردها و انتشار

همه شما ممنونم که حتی فیلم مزخرف هم بازی کردم و هیچی نگفتید!

■ مسعود ده‌نمکی در بخش نکوداشت اکبر عبدی گفت: خیلی آدم‌ها در سینما محبوب‌اند و خیلی مشهور، اما آقای عبدی جزو کسانی هستند که هم محبوب است و هم مشهور.



معرفی برگزیدگان بخش مسابقه تبلیغات:

- دیپلم افتخار طراحی نامواره یا لوگو: روح الامین برای فیلم‌های «رگ خواب» و «خفگی»
- سیمرغ بلورین بهترین عکس: جواد جلالی برای فیلم «پریناز»
- سیمرغ بلورین بهترین طراحی پوستر: بابک یادگاریان برای فیلم «هجوم»
- سیمرغ بلورین بهترین آنونس: مسعود رفیع‌زاده برای فیلم «خفگی»

■ سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در کمتر از دو دقیقه سخنان خود را به پایان رساند.

■ محمدعلی نجفی در بخش نکوداشت خود گفت: چهل و هفت سال پیش زمانی که در محافل مذهبی و خانواده‌های مذهبی کمتر می‌شد از سینما صحبت کرد من با دو یار؛ آقای فخرالدین انوار و همسرم زهره به طور جد مسئله نمایش را پی گرفتیم. با همکاری ایشان نمایش سر به‌داران را نوشتیم. برای اولین بار در یک مکان مذهبی توانستیم موسیقی را در حسینه ارشاد پخش کنیم. اما میان نمایش یکی از تابلوها و پخش موسیقی، شخصی گفت کوروش آسوده بخواب که ما بیداریم و این همان سالی بود که در تخت جمشید این جمله شنیده شد. احسان کرمی از حاضران خواست اولین مدیر سینمای پس از انقلاب را تشویق کنند.

■ مجری مراسم افتتاحیه فجر در توجیه شوخی خود با فیلم حاتمی کیا گفت: آن جمله فقط یک شوخی بود و تا آخر برنامه ممکن است با اسامی فیلم‌ها شوخی کنیم. خدای ناکرده قصد توهین به فیلمی یا کسی را از این شوخی‌ها نداشتیم.

■ احسان کرمی در ادامه به سیایش حکمت‌شعار از بازیگران فیلم «بچه‌های بد» که ۱۷ سال است در بستر بیماری‌ست اشاره کرد و از حاضران خواست برای سلامتی او دعا کنند.

■ منوچهر اسماعیلی با تشویق‌های مکرر حاضران در سالن به روی سن آمد و گفت: در همه فیلم‌ها به شما سلام کردم و شما، امشب به سلام من جواب دادید. من هم به سهم خود از استاد علی معلم یاد می‌کنم و به همسر و خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گویم. زیاد وقت‌تان را نمی‌گیرم و حال خوشی هم ندارم. بعد از دیدن صحنه‌هایی که پخش شد حتی توان ایستادن هم ندارم. خیلی متشکرم.

■ سعیدراد: برای قدمت و شکوه منوچهر اسماعیلی یک دقیقه بایستید و دست بزنید. باعث افتخارم است که اینجا هستم اکبر عبدی روی سن افتتاحیه جشنواره سی و ششم:



حواشی برگزاری مراسم افتتاحیه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر آغازی بی سابقه برای یک جشنواره متفاوت!

مراسم افتتاحیه سی و ششمین جشنواره فیلم فجر عصر روز پنج شنبه ۱۲ بهمن در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد. در ادامه به صورت تیتروار تنها به حاشیه‌های برگزاری این مراسم پرداختیم که قطعاً از گزارش اصلی مراسم خواندنی تر است:

- در اقدامی بی سابقه، ورود به مراسم افتتاحیه برای عموم آزاد بود و در هیچ یک از گیت‌های ورودی، کارت ورود به مراسم چک نمی‌شد.
- فروش قهوه ۱۵ هزار تومانی در لیوان‌های پلاستیکی در بوفه سالن همایش‌های برج میلاد
- باز هم در اقدامی بی سابقه، مراسم افتتاحیه تنها با نیم ساعت تاخیر شروع شد!
- احسان کرمی، مجری مراسم از طرف سینمای ایران

به بازماندگان سانحه سانچی تسلیت گفت و با زلزله‌زدگان کرمانشاه همدردی کرد. او از هنرمندان درخواست کرد مبلغی را جمع کنند و یک سوم افرادی را که در کرمانشاه کانکس ندارند، ساماندهی شوند و گفت: این اتفاق تنها از جامعه هنری بر می‌آید.

■ مجری برای مسعود کیمیایی، جمشید مشایخی، الناز شاکردوست، ناصر تقوایی و دیگر هنرمندانی که دچار کسالت شده‌اند، آرزوی سلامتی کرد.

■ کنایه جالب مجری به نام فیلم‌های حاضر در جشنواره: فیلم داریم به وقت شام، فیلمی دیگر وقت ناهار! جالبه که به وعده مهم صبحانه توجه نشده است.

■ احسان کرمی: ما علی معلم را از دست دادیم، ولی جشن حافظ امسال نشان داد که آذر معماریان و پسرانش این جشن را هرچه باشکوه‌تر برگزار می‌کنند.



مروری بر رگورداران جایزه در بخش های اصلی

سیمرغ روی شاکه ستاره ها

گنجشک ها» یش همچنان زیر ترنم «باران» و لرزش «بید مجنون» نداعی گر «رنگ خدا» بود و سیمرغ ها نیز گوشه چشمی به داستان کارگردان توانای سینمای ایران داشتند.

تدوین

هایده صفی یاری / ۴ سیمرغ بلورین

و سیمرغ بلورین تعلق می گیرد به... تدوینگر فیلم اسکاری جدایی نادر از سیمین؛ همین تک جمله که نشانه ای مسلم از توانایی های صفی یاری است اکنون به یک شناسه حرفه ای برای این بانوی تدوینگر بدل شده و بی شک ادامه راه برای وی هموار است. کسی چه می داند شاید روزگار حتی وی را به قله اسکار نیز برساند؛ قله سیمرغ دیگر برای او قابل دسترس است.

حسین زندباف / سیمرغ بلورین و ۲ لوح زرین

تدوین فیلم هایی با گونه های روایی (ژانر) متفاوت نشانه ای از تبحر و تسلط مرد کوشای سینمای ایران در حوزه تدوین است.

موسیقی متن

مجید انتظامی / ۴ سیمرغ بلورین

اشک ها جاری است. فیلم برای اولین بار نمایی باز از واقعه کربلا را ثبت کرده است و چشمان پی جوی عبدالله (علیرضا شجاع نوری) هر لحظه، گوشه ای از عظمت واقعه را نشان می دهد. اما آنچه اشک ها را بر گونه جاری ساخته

سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر در تاریخ پرواز خود بر فراز داستان صاحبانش خاطراتی همراه با خنده، تامل و حسرت را بر ذهن مخاطبان این جشنواره مهم ملی نشانده است. لیستی که در ادامه می آید روایتی کوتاه از همین خاطرات است.

کارگردانی

ابراهیم حاتمی کیا / ۷ سیمرغ بلورین و ۲ دیپلم افتخار

روزگاری که با مهاجر به عنوان یک جنگی ساز جوان پا به جشنواره گذاشت و تحسین همگان را برانگیخت مدت هاست که به پایان رسیده و آن کارگردان جوان دیگر یک جنگی ساز صرف نیست. بلکه تلاش کرد تا ۳ قالب معناگرا، ملودرام و شبه جاسوسی - امنیتی را نیز تجربه کند اما گویی او فقط مرد میدان های رزم است.

مجید مجیدی / ۷ سیمرغ بلورین و ۱ دیپلم افتخار

خبری که روی سن اختتامیه جشنواره پانزدهم فیلم فجر اعلام شد هم غافلگیر کننده بود و هم شادی آفرین. فیلمی از ایران به جمع ۵ نامزد نهایی اسکار راه یافته بود و کارگردانش در همان لحظه ای که این خبر اعلام می شد برای گرفتن سیمرغ بلورین روی سن آمده بود. مجید مجیدی اگرچه پس از این موفقیت نتوانست تا فیلمی تاثیرگذار و مهم در اندازه های «بچه های آسمان» بسازد اما همچنان مورد توجه بود. «آواز

خسرو شکیبایی / ۳ سیمرغ بلورین و ۱ دیپلم افتخار
فیلم هامون انرژی خاصی را به بازیگری سینمای ایران بخشید. نقش آفرین ۴۰ ساله کاراکتر حمید از تئاتری های اصلی بود که همراه خود یک انرژی پایان ناپذیر داشت. سیر نقش آفرینی های متفاوت زنده یاد خسرو شکیبایی نمایانگر این انرژی و شور بی پایان است. بازیگری که گویی برای شکار سیمرغ آفریده شده بود و هر دوره از جشنواره با حضورش در میان کاندیداهای کسب سیمرغ اعتباری مجزا می یافت. راستی کسی می داند چرا سیمرغ این روزها بی تاب است و دیگر از آن شور و حرارتش در وقت پرواز خبری نیست؟

دیگر رکورد داران کسب سیمرغ به شرح زیر هستند:
فیلمبرداری: محمود کلاری / ۴ سیمرغ بلورین و ۱ دیپلم افتخار

صداگذاری: محمدرضا دلپاک / ۷ سیمرغ بلورین - جهانگیر میرشکاری / ۴ سیمرغ بلورین و ۱ لوح زرین
طراح صحنه و لباس: امیر اثباتی و ایرج رامین فر / ۴ سیمرغ بلورین

چهره پردازی: سعید ملکان / ۴ سیمرغ بلورین
جلوه های ویژه: محسن روزبهانی / ۸ سیمرغ بلورین
فیلمنامه: داریوش مهرجویی، رخشان بنی اعتماد و کامبوزیا پرتوی - ۲ سیمرغ بلورین
ویژه هیات داوران: عباس کیارستمی / ۱ سیمرغ بلورین و ۳ لوح زرین

است تنها هنر کارگردان در اجرای میزاسن نیست بلکه همگامی و همراهی سوزناک موسیقی متن مجید انتظامی با روح تراژیک فیلمنامه درخشان «روز واقعه» است که لحظه هایی ناب از تقدیم اشک هایی از سر ارادت به امام حسین (ع) پدید می آورد. آوای موسیقی «روز واقعه» همچنان در گوش مخاطب جاری است.

بازیگری

فاطمه معتمدآریا / ۴ سیمرغ بلورین

از همان آغاز جشنواره فیلم فجر تا به امروز در بیشتر دوره ها نام این بازیگر توانا در میان کاندیداهای کسب سیمرغ دیده شده است. معتمدآریا خالق شخصیت هایی بوده که به لحاظ اجرا موجه و از منظر تاثیرگذاری بر مخاطب در بالاترین سطح قرار دارد. «ننه گیلانه» از مثال زدنی ترین نقش آفرینی های این بازیگر، نمونه ای مصداقی از تحلیل پیش گفته است.

پرویز پرستویی / ۴ سیمرغ بلورین، ۱ دیپلم افتخار، ۱

سیمرغ ویژه هیات داوران و ۱ لوح زرین

سیمرغ بلورین دلتنگ حاج کاظم است. زیرا از دومین دوره جشنواره فیلم فجر به پرویز پرستویی (کسب جایزه نقش مکمل برای دیار عاشقان) خو کرده است. این سیمرغ یا بر فراز داستان بازیگر پرتوان سینمای ایران به پرواز درآمده یا در انتظار و شوق برای قرار گرفتن در میان دستان وی بوده است.

تاریخچه تغییرات برنامه‌ها و بخش‌های جشنواره فجر

تنوع سلیقه و یا چگونه جشنواره را ارتقاء دهیم!

نامگذاری شد و روزهای بخش بین‌الملل و ملی جدا شد و کارت‌های خبرنگاران به صورت دیجیتال معاوضه گشت.
۱۳۸۷ (دوره بیست و هفتم) - رئیس جمهور به جشنواره پیام داد و فیلم بلند ویدئویی اضافه شد و همچنین مراسم اختتامیه از سوی خبرنگاران و عکاسان به دلیل عدم اختصاص جای مناسب به آن‌ها تحریم گشت.
۱۳۸۸ (دوره بیست و هشتم) - مسابقه آثار پویانمایی اضافه شد. پیش‌فروش بلیت‌ها اینترنتی و برج میلاد کاخ جشنواره شد.
۱۳۸۹ (دوره بیست و نهم) - آثار سه بعدی به نمایش درآمد.

۱۳۹۱ (دوره سی و یکم) - برای اولین بار مراسم فرش قرمز فیلم‌ها برگزار و نمایش فیلم‌ها دیجیتال گشت و شکل ظاهری سیمرغ بلورین به حالت حجمی درآمد.
۱۳۹۳ (دوره سی و سوم) - بخش بین‌الملل به زمان و جشنواره دیگری منتقل شد و شکل و نام تندیس نگاه نو و مستند تغییر کرد و بخش هنر و تجربه اضافه شد و در بخشی با عنوان سلام سینما فیلم‌ها در سینماهای مردمی با حضور عوامل معرفی شدند.
۱۳۹۴ (دوره سی و چهارم) - بخش انیمیشن اضافه شد و همچنین پوستر با شمایل یک سینماگر طراحی شد. عنوان بین‌الملل از جشنواره حذف و دبیر دیگری مسئولیت جشنواره بین‌الملل را عهده‌دار شد.



۱۳۸۳ (دوره بیست و سوم) - بخش بین‌الملل شامل بازار فیلم، سینمای بین‌الملل، سینمای آسیا و سینمای معناگرا مستقل و اختتامیه مجزا با حضور مهمانان خارجی برگزار شد.
۱۳۸۴ (دوره بیست و چهارم) - سیمرغ فیلمنامه اقتباسی اضافه شد و سینماهای مردمی وسعت پیدا کرد.
۱۳۸۶ (دوره بیست و ششم) - بخش‌های مختلف جشنواره

و مردم حذف و پیش‌فروش بلیت‌ها مکانیزه شد و سیمرغ فیلمبرداری چهره‌پردازی، صداگذاری و تدوین حذف شد و دو جایزه با عنوان دستاورد هنری جایگزین شد.
۱۳۸۲ (دوره بیست و دوم) - مرور آثار بزرگداشت‌ها حذف شد. جوایز حذف شده دوره گذشته به جای خود بازگشت و بازار فیلم از معرفی محصولات به شکل خرید و فروش سینمایی و تلویزیونی تغییر کرد.

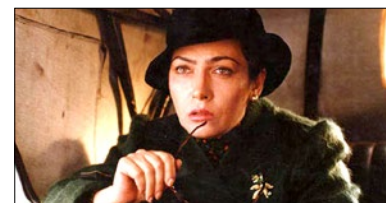
۱۳۶۳ (دوره سوم) - بخش فیلم‌های اول اضافه شد.
۱۳۶۴ (دوره چهارم) - بخش حرفه‌ای از بخش آماتور جدا شد تا به صورت یک جشنواره مستقل به نام سینمای جوان برگزار شود و همچنین بخش کودکان و نوجوانان نیز اضافه گشت.
۱۳۶۵ (دوره پنجم) - نمایشگاه پوسترهای سینمایی اضافه شد. جشنواره برای اولین بار مجله‌ای ویژه‌نامه با نام مجله فیلم منتشر کرد.
۱۳۶۷ (دوره هفتم) - بزرگداشت سینماگران معتبر خارجی اضافه شد و بخشی با عنوان جشنواره جشنواره‌ها نیز اضافه گشت.
۱۳۶۸ (دوره هشتم) - جشنواره کودکان و نوجوانان و فیلم‌های کوتاه و مستند از جشنواره جدا و به جشنواره‌ای مستقل تبدیل شد.
۱۳۷۵ (دوره پانزدهم) - جشنواره برای اولین بار صاحب سایت اینترنتی شد.
۱۳۷۶ (دوره شانزدهم) - برپایی بزرگداشت سینماگران ایرانی در جشنواره شکل گرفت و بخش بین‌المللی رقابتی شد، بازار فیلم راه‌اندازی و سیمرغ فیلم تماشاگران اضافه گشت.
۱۳۷۷ (دوره هفدهم) - مراسمی با عنوان اهدای جوایز جنبی برگزار شد.
۱۳۸۱ (دوره بیست و یکم) - سیمرغ مکمل نقش دوم زن



تفاوت انتخاب داوران و منتقدان در دوره های برگزاری جشنواره فیلم فجر - بخش اول (دهه شصت)

جدال نقشی گیر سیاست و هنر

همواره در طول برگزاری دوره های جشنواره فیلم فجر، تفاوت فاحشی میان انتخاب داوران و انتخاب منتقدان وجود داشته است. سال ۱۳۹۰ در خبرنامه آن لاین جشنواره سی ام فیلم فجر که به همت گردانندگان سایت سی نت به سردبیری احمد شاهوند منتشر شد، به شکلی آماری انتخاب های داوران و منتقدان را از سال ۱۳۶۶ (ششمین دوره جشنواره) - به دلیل اینکه برای اولین بار از سال ۱۳۶۶ انتخاب های منتقدان توسط ماهنامه فیلم چاپ شد - منتشر کردیم. حال بار دیگر و اینبار به تفکیک هر دوره به تفاوت انتخاب داوران و منتقدان (فقط در بخش مسابقه سینمای ایران و فقط در سه بخش اصلی و چهار بخش بازیگری) نگاهی خواهیم داشت.



ششمین دوره (۱۳۶۶)

■ بهترین فیلم:

داوران: انتخاب نشد!

منتقدان: شاید وقتی دیگر

■ بهترین کارگردانی:

داوران: کیانوش عیاری (آن سوی آتش)

منتقدان: بهرام بیضایی (شاید وقتی دیگر)

■ بهترین فیلمنامه:

داوران: فیلمنامه ای انتخاب نشد!

منتقدان: به دلیل پراکندگی آرا انتخاب نهایی صورت نگرفت

■ بهترین بازیگر نقش اول مرد:

داوران: فرامرز قریبیان (ترن)

منتقدان: خسرو شجاع زاده (آنسوی آتش) و داریوش فرهنگ (شاید وقتی دیگر)

■ بهترین بازیگر نقش اول زن:

داوران: پروانه معصومی (شکوه زندگی، جهیزیه برای رباب)

منتقدان: سوسن تسلیمی (شاید وقتی دیگر)

■ بهترین بازیگر نقش دوم مرد:

داوران: سعید پورصمیمی (تحفه ها)

منتقدان: حمید جبلی (شیرک)

■ بهترین بازیگر نقش دوم زن:

داوران: آنیک شفرایان (سرزمین آرزوها)

منتقدان: فاطمه معتمدآریا (جهیزیه ای برای رباب)

هفتمین دوره (۱۳۶۷)

■ بهترین فیلم:

داوران: در مسیر تندباد

منتقدان: باشو غریبه کوچک

■ بهترین کارگردانی:

داوران: محسن مخملباف (بای سیکل ران)

منتقدان: بهرام بیضایی (باشو غریبه ای کوچک)

■ بهترین فیلمنامه:

داوران: محسن مخملباف (بای سیکل ران)

منتقدان: محسن مخملباف (عروسی خوبان)

■ بهترین بازیگر نقش اول مرد:

داوران: عزت الله انتظامی (گراند سینما)

منتقدان: عزت الله انتظامی (گراند سینما)

■ بهترین بازیگر نقش اول زن:

داوران: رویا نونهالی (عروسی خوبان) - دیپلم افتخار: فریمه فرجانی (سرب)

منتقدان: فریمه فرجانی (سرب)

■ بهترین بازیگر نقش دوم مرد:

داوران: محمود جعفری (زرد قناری، شاخه های بید)

منتقدان: محمود جعفری (زرد قناری)

■ بهترین بازیگر نقش دوم زن:

داوران: فاطمه معتمدآریا (برهوت)

منتقدان: فاطمه معتمد آریا (ستاره و الماس، برهوت)

هشتمین دوره (۱۳۶۸)

■ بهترین فیلم:

داوران: مهاجر

منتقدان: هامون

■ بهترین کارگردانی:

داوران: داریوش مهرجویی (هامون)

منتقدان: داریوش مهرجویی (هامون)

■ بهترین فیلمنامه:

داوران: داریوش مهرجویی (هامون)

منتقدان: داریوش مهرجویی (هامون)

■ بهترین بازیگر نقش اول مرد:

داوران: خسرو شکیبایی (هامون)

منتقدان: خسرو شکیبایی (هامون)

■ بهترین بازیگر نقش اول زن:

داوران: رقیه چهره آزاد (مادر)

منتقدان: گلچهره سجادی (دندان مار)

■ بهترین بازیگر نقش دوم مرد:

داوران: اکبر عبدی (مادر)

منتقدان: اکبر عبدی (مادر)

■ بهترین بازیگر نقش دوم زن:

داوران: افسر اسدی (عبور از غبار)

منتقدان: فریا کوثری (دندان مار)

نهمین دوره (۱۳۶۹)

■ بهترین فیلم:

داوران: آپارتمان شماره ۱۳

منتقدان: پرده آخر

■ بهترین کارگردانی:

داوران: واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

منتقدان: واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

■ بهترین فیلمنامه:

داوران: یدالله صمدی (آپارتمان شماره ۱۳)

منتقدان: واروژ کریم مسیحی (پرده آخر)

■ بهترین بازیگر نقش اول مرد:

داوران: مهدی هاشمی (دو فیلم با یک بلیط)

منتقدان: ابوالفضل پورعرب (عروس) و مهدی هاشمی (دو فیلم با یک بلیط)

■ بهترین بازیگر نقش اول زن:

داوران: فریمه فرجانی (پرده آخر)

منتقدان: فریمه فرجانی (پرده آخر)

■ بهترین بازیگر نقش دوم مرد:

داوران: سعید پورصمیمی (پرده آخر)

منتقدان: سعید پورصمیمی (پرده آخر)

■ بهترین بازیگر نقش دوم زن:

داوران: نیکو خردمند (پرده آخر)

منتقدان: نیکو خردمند (پرده آخر)



حواشی جناب چهار دهه

بهار سینمای ایران! این تعبیری است که با آن می توان به درجه اهمیت جشنواره فیلم فجر پی برد. جشنواره ای که به برگزاری سی و ششمین دوره آن نزدیک می شویم و خاطرات جالب و نکات مهمی در هر دوره آن قابل مشاهده است. در این مطلب مهمترین نکته هر دوره جشنواره را با هم مرور می کنیم.

داد و در یک بیانیه بر لزوم دلجویی از معترضان تاکید کرد.

● **دوره بیست و هشتم:** نشست جنجالی فیلم «زمهریر» به پایان دوره کاری علی رویین تن منجر شد و این فیلمساز پس از جریانات پیش آمده در این نشست خداحافظی خود از سینما را اعلام کرد.

● **دوره سی و یکم:** صدور کارت حضور در برج میلاد برای ۶ هزار نفر و نارضایتی منتقدان و خبرنگاران از این رویه برگزار کننده ها، به دراماتیک ترین لحظه های تاریخ جشنواره فیلم فجر انجامید. صحنه هایی که کودکان بر صندلی های خبرنگاران و منتقدان نشسته بودند و حتی برای پذیرایی از این افراد هم فیش صادر می شد.

● **دوره سی و دوم:** حواشی پدید آمده در اکران برخی فیلم ها جوی ملتهب را در برج میلاد پدید آورد.

دیدگان منتقدان و نویسندگان مطبوعات به معرض نمایش گذاشت و از برخی کج فهمی ها و یکسونگری ها گلایه کرد.

● **دوره بیست و دوم:** اکران فیلم جنجالی «مارمولک» (کمال تبریزی) و حضور بزرگان فضایی به وجود آورده بود که استقبال تماشاگران، صف های طولیل جشنواره را در دهه شصت به یاد می آورد.

● **دوره بیست و چهارم:** این دوره از جشنواره تا روزهای میانی به دلیل آماده نشدن بسیاری از فیلم ها نسبت به دوره های قبل رکورد دار بود.

● **دوره بیست و پنجم:** صحبت های تند مسعود ده نمکی در مراسم اختتامیه به قدری حاشیه ساز بود که حتی کمیسیون فرهنگی مجلس نیز به اعتراضات بی سابقه وی و دیگر هنرمندان نسبت به مقوله داوری واکنش نشان

● **دوره اول:** مسابقه سینمای ایران برگزار نشد و فیلم های «مرگ یزدگرد»، «خط قرمز»، «مدرسه عدل آفاق» و «حاجی واشنگتن» توقیف شدند.

● **دوره چهارم:** عدم راهیابی «دونده» به بخش مسابقه سینمای ایران

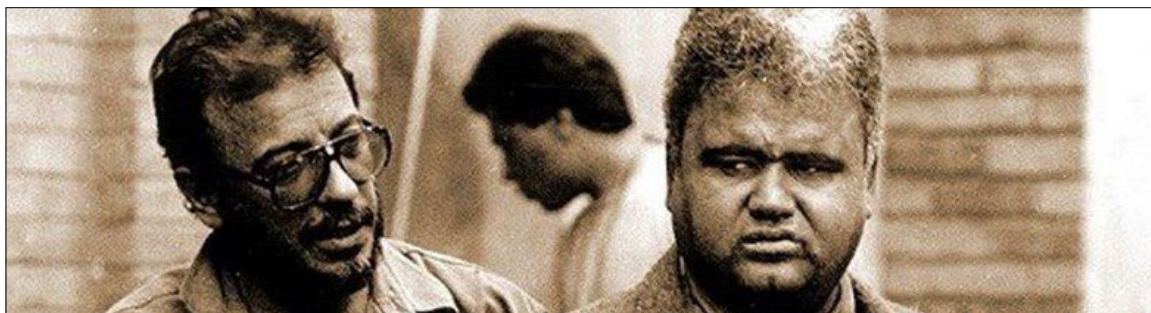
● **دوره پنجم:** بی اعتنایی عجیب به بازی اکبر عبدی در «جاره نشین ها»

● **دوره ششم:** در این دوره برای اولین بار به مواد تبلیغاتی فیلم ها جوایزی اهدا شد.

● **دوره هفتم:** از نکات به یاد ماندنی این دوره می توان به جایگزین کردن سیمرغ بلورین به جای لوح زرین اشاره کرد که به عنوان نماد جشنواره با حجمی شیشه ای تا دوره سی ام مورد استفاده قرار گرفت و از دوره سی و یکم ابعاد حجمی و شکلی آن تغییر یافت.

● **دوره هشتم:** نادیده گرفتن فیلمنامه و کارگردانی خوب فیلم «مادر»، البته توجه داوران به فیلم ماندگار «هامون» نشان از تعدیل دیدگاه یکسویه مدیران فرهنگی کشور بود و افقی روشن را برای سینمای ایران ترسیم کرد.

● **دوره نهم:** برای اولین بار در این دوره بخش رقابتی بین الملل با عنوان مسابقه بین المللی فیلم های اول و دوم



بررسی کارنامه اکبر عبدی به بهانه بزرگداشتش در جشنواره فجر

نقشی نقش‌های زندگی



نیمابه‌دای مهر

نویسنده



بهترین نقش مکمل های تاریخ جشنواره فیلم فجر و چه بسا سینمای پس از انقلاب است. نقشی بدون اضافات که در کمال خونسردی عبدی و با هدایت منطقی مهرجویی به نگینی درخشان در کارنامه سینمایی وی بدل شد.

البته عبدی در ۳/۵ دهه ایفای نقش در تلویزیون و سینما بسیاری از مسیرها را بیراهه رفته است و نقش هایی را در کارنامه خود ثبت کرده که بود و نبودشان برای وی فرقی نمی کرد.

در نظر آورید که در یک سوی کارنامه عبدی نقش هایی درخشان چون غلامرضای فیلم مادر قرار دارد و در سوی دیگر بازی در فیلم هایی چون عشق و لاش.

چنین تناقضی در کارنامه یکی از استوانه های مهم بازیگری چگونه برای مخاطبان قابل درک است وقتی مهارت های خیره کننده او در ایفای نقش های سخت و در فیلم های مهم را در کنار بازی هایی صرفا استاندارد در فیلم های معمولی و ضعیف کارنامه او قرار دهند.

به واقع چگونه قدرت تیپ سازی و کاراکتر سازی بی مانند او در سینمای کمدی را در کنار نقش هایی معمولی در فیلم هایی موصوف به سینمای بازاری قرار دهیم؟

در ادامه از طریق رسم یک جدول نگاهی انداخته ایم به کارنامه پرفراز و نشیب اکبر عبدی در سینما و به بهانه بزرگداشت وی در جشنواره فیلم فجر ۱۵ نقش مهم وی را بررسی کرده ایم.

حدود ۳۵ سال از روزی که در تئاتر شهر مشق بازیگری را می نوشت، گذشته است. پسرک شیرین و طنز چنان روی صحنه از همه دلبری می کرد که نمی شد او را نادیده گرفت. همین شد که از تئاتر به تلویزیون آمد. زنده یاد «رضا ژيان» گوهر وجودی «اکبر عبدی» را دریافته بود و می دانست آینده برای اوست از این رو در بخش های نمایشی ویژه کودکان از او استفاده کرد. عبدی در تلویزیون بالید و به سینما آمد. «جنجال بزرگ» و «مردی که موش شد» را بازی کرد اما برای آنکه خود را به مانند تلویزیون تثبیت کند نیاز به یک اثر درجه یک داشت. او برای شهرت در سینما هنوز راه درازی داشت اما گویا قرار بود ورق مهمی در زندگی هنریش تا بخورد. هنر بی مانند عبدی در تیپ سازی از نوجوان ۱۳ ساله سربال «بازم مدرسم دیر شد» در شرایطی که سن واقعی اش در آن دوران ۲۷ سال بود نگاه ها را متوجه او کرد. عبدی در دهه ۶۰ هم شور و انگیزه داشت و هم خمیرمایه هنرش آماده ورز خوردن بود. مهرجویی با مشاوره رضائی فر او را برای اجاره نشین ها انتخاب کرد تا سینما هم چهره هنری اش را بشناسد. آقای قندی در فیلم اجاره نشین ها بی شک یکی از

نام نقش	عنوان فیلم	دستاوردها در جشنواره	جایگاه میان منتقدان	رتبه در کارنامه
عباس خاکپور	آدم برفی	از جشنواره کنار گذاشته شد	انتخاب سال منتقدان	اول
مادر رضا	خواهیم می آید	سیمرغ نقش مکمل	انتخاب سال منتقدان	دوم
غلامرضا	مادر	سیمرغ نقش مکمل	انتخاب سال منتقدان	سوم
اکبر عبدی	هنرپیشه	کاندید سیمرغ نقش اول	انتخاب سال منتقدان	چهارم
آقا فرج بوسلیکی	دلشدگان	بی اعتنائی هیات داوران	استقبال منتقدان از سکانس تنبک	پنجم
یارولی نامی دده بالا	نان و عشق و موتور هزار	کاندید سیمرغ نقش مکمل	انتخاب سال منتقدان	ششم
حاج یوسف	رسوایی	کاندید سیمرغ نقش اول	استقبال نسبی منتقدان	هفتم
گروه بان مکنونی	ای ایران	بی اعتنائی هیات داوران	استقبال منتقدان	هشتم
آقای قندی	اجاره نشین ها	بی اعتنائی هیات داوران	انتخاب سال منتقدان	نهم
گنجو	دزد عروسک ها	بی اعتنائی هیات داوران	انتخاب ویژه منتقدان در سینمای کودک	دهم
دکتر کمالی	سفر جادویی	در جشنواره نبود	ستایش برخی منتقدان	یازدهم
ناصرالدین شاه	جنگجوی پیروز	کاندید سیمرغ نقش اول	برخورد محتاطانه منتقدان	دوازدهم
ملیجک	ناصرالدین شاه ...	بی اعتنائی هیات داوران	استقبال نسبی منتقدان	سیزدهم
خاله و مادر	خواب زده ها	کاندید نقش مکمل	تقلیدی از نقش «خواهیم می آید» دانستند	چهاردهم
دجین	روز فرشته	بی اعتنائی هیات داوران	واکنش جدی نشان ندادند	پانزدهم

نکته: شخصیت بایرام لودر در سه گانه اخراجی ها با وجود جذابیت های بسیار و نیز تاثیر مهم در احیای شمایل عبدی پس از حدود یک دهه بی خبری در مقیاس نقش های عنوان شده در جدول از اهمیت کمتری برخوردار است.

معرفی فیلم‌های روز اول سینمای رساله‌ها

فیلشاه (۲۰:۰۰)



- کارگردان: هادی محمدیان
- تهیه کننده: حامد جعفری
- نویسندگان: محمدباقر مفیدی کیا، هادی محمدیان، علی رمضان
- مدیر دوبلاژ: سعید شیخزاده
- صداپیشگان: بهرام زند، زهره شکوفنده، ناصر طهماسب، میرطاهر مظلومی، شوکت حجت، حامد عزیزی، ژرژ پطروسی، شایان شامببای، بهمن هاشمی، اکبر منانی، حسین عرفانی
- موسیقی متن: ستار اورکی
- تدوین: حسن ایوبی
- صداگذاری: حسین مهدوی

● خلاصه داستان:

داستان «فیلشاه» در جنگلی در آفریقا رقم می‌خورد. رئیس گله فیل‌ها صاحب فرزندی می‌شود که همه انتظار دارند جانشین رئیس گله باشد، اما برخلاف تصور همه «شادفیل» بسیار دست و پا چلفتی است و هیکل گنده‌اش همیشه سبب تخریب و خرابکاری می‌شود.

جاده قدیم (۱۷:۰۰)



- نویسنده، تهیه کننده و کارگردان: منیژه حکمت
- بازیگران: مهتاب کرامتی، آتیلا پسیانی، ترلان پروانه، محمدرضا غفاری، شیرین یزدان بخش، لیلی رشیدی، محمدرضا هدایتی، بهناز جعفری، بانپیال شومون، پوریا رحیمی، هدی زین العابدین و پرویز پورحسینی
- مدیر فیلمبرداری: داریوش عیاری
- تدوین: مصطفی خرقه‌پوش
- موسیقی متن: کریستف رضای

● خلاصه داستان:

در شب سال نو مینو به خانه باز نمی‌گردد

● جوایز و افتخارات منیژه حکمت در تاریخ جشنواره فیلم فجر:

«زندان زنان»، اولین و موفق‌ترین فیلم منیژه حکمت و همچنین دومین فیلم وی «سه زن» در هیچ دوره جشنواره فیلم فجر حضور نداشتند و این اولین حضور منیژه حکمت به عنوان کارگردان در جشنواره است.

کامیون (۱۴:۰۰)



- نویسنده، تهیه کننده و کارگردان: کامبوزیا پرتوی
- بازیگران: سعید آقاخانی، نیکی کریمی، تروسکا جولا، رامین راستاد، یعقوب پرسا، نسرین مرادی و ...
- مدیر فیلمبرداری: تورج اصلانی
- تدوین: مصطفی خرقه‌پوش
- طراح گریم: بابک اسکندری

● خلاصه داستان:

یک راننده کامیون ایرانی، خانواده‌ای از اهالی کردستان عراق را برای یافتن پدر خانواده به تهران می‌آورد.

● جوایز و افتخارات کامبوزیا پرتوی در تاریخ جشنواره فیلم فجر:

پرتوی جایزه بهترین فیلمنامه برای فیلم سینمایی «من ترانه ۱۵ سال دارم» را از دوره بیستم و جایزه بهترین فیلمنامه را برای فیلم سینمایی «فراری» را از سی و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر دریافت کرده است.

کیک گالری ارغوان

تهیه انواع کیک خانگی، شیرینی و دسر

  Arghavan_Cakegallery

 ۰۹۱۲ - ۲۶۱ ۸۰۶۴

